

بعضی‌ها آیات و نشانه‌هایی که دلالت بر توحید و مخلوقیت ماسواه می‌کند، را کم می‌فهمند، اما بعضی‌ها حد کامل آن را می‌فهمند. لازمه رسیدن به چنین فهمی این است که انسان خود را آلوده نکند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر نکاتی از سخن‌‌رانی پنج‌‌شنبه، ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ آیت الله مرتضی تهرانی است که در مورد آیه «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ "أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ يَالْبَرَكَةَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الْمَغْفِرَةَ شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَ أَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَ لَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي وَ سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ. شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاقَةِ اللَّهِ» بحث شده است.

حضرت صادق صلوات الله وعلیه می‌فرماید: «مَا رَأَيْتُ شَيْئاً إِلَّا وَقَدْ رَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَمَعَهُ وَ بَعْدَهُ». هر چیزی را که از وجود و هستی بهره دارد و من دیده‌ام، قبل از آن، با آن و بعد از آن چیز، حق تعالی را دیده‌ام. بعضی‌ها آیات و نشانه‌هایی که دلالت بر توحید و خالقیّت حق تعالی و مخلوقیت ماسواه می‌کند، را کم می‌فهمند، اما بعضی‌ها حد کامل آن را می‌فهمند، که در کلام امام صادق صلوات الله وعلیه همین نکته آمده است. لازمه رسیدن به چنین فهمی این است که انسان خود را آلوده نکند، و خود را حفظ نماید.

مقداری از آلودگی&zwj&ها به موجب نقص شعور پدر و مادر است. بچه&zwj&ی کوچکی که هنوز راه نیافتاده، نمی&zwj&تواند به مادر خود بگوید که این تصویر را به من نشان نده. بخشی از دریافتی&zwj&های کودک در آن مقطع زمانی است. هنگامی که بزرگ&zwj&تر شد و راه افتاد، گوش او می&zwj&شنود و چشم او می&zwj&بیند. لذا اگر کلام زشتی بشنود یا چهره&zwj&ی زشتی که الهی و اسلامی نیست ببیند، در روح او منعکس می&zwj&شود. در روایات داریم که نگاه کردن انسان به صورت گنه&zwj&کار و فاسق مکروه است. بعضی افراد این نکته را درک نمی&zwj&کنند و فرقی بین نگاه کردن به صفحه&zwj&ی قرآن یا صفحه&zwj&ی یک وسیله&zwj&ی حرام و قمار بازی قائل نیستند. اما اولیای خدا فرق آن&zwj&ها را می&zwj&فهمند.

از مرحوم آقاشیخ‌عباس قمی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه سؤال کردند چگونه است که شما از ابتدای زمان تکلیف تاکنون مرتکب گناه نشده‌اید؟ ایشان جواب داد: از ابتدا، ذائقه‌ی روحم نسبت به گناه این‌گونه بود که ارتکاب گناه را مانند خوردن مدفوع، زشت و متعفن می‌دیدم. خدای متعال چهره‌ی برزخی غیبت را در این آیه ترسیم فرموده است: لاَ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ‌. آیا هیچ‌یک از شما دوست دارد که جیفه‌ی و مردار یکی از برادرهای خود و یک انسان مرده را بخورد؟ مرحوم آقاشیخ‌عباس متناسب با مضمون این آیه‌ی شریفه جواب داده است، که چهره‌ی برزخی گناه برای انسان واقعی و انسانی که قلبش روشن باشد آن‌قدر منفور و موجب تنفر است، که هیچ‌وقت به آن هوس نمی‌کند.

انسان آلوده از ابتدا چنین نبوده است. بخشی از آلودگی‌ها از پدر و مادر به او منتقل شده، و بخشی را در مقاطع اولیه نوزادی که اراده‌ی او کامل نشده بوده کسب کرده، و به همین ترتیب در مدرسه هم آلودگی‌هایی به او انتقال یافته است. البته مدرسه‌ی که از هفت سالگی شروع می‌شود کلاس اول واقعی نیست، کلاس اول کودک، چهل روز قبل از انعقاد نطفه در رحم مادر است. نطفه هم شکل‌گرفته از غذاهایی است که پدر خورده است. بدین ترتیب کلاس دوم، کمر پدر و کلاس سوم رحم مادر است. به یک مادر باردار توصیه می‌کنیم که از کانال دهان غذای حرام و مشتبه نخورد، و از کانال چشم و گوش اجازه ندهد که حرام وارد روح او شود، زیرا هنگام بارداری، آلودگی‌ها به جنین منتقل می‌شود.

در مادیات بحث ژنتیک و انتقال به وسیله zwnj&y ژن مطرح شده، اما در معنویات و روحيات این بحث مطرح نشده است. در حالی zwnj&y که روایات پر از این نکات است و متاسفانه کسی در مورد آن zwnj&y ها سوال نمی zwnj&y کند. روایات نشان می zwnj&y دهد که در صدر اسلام معصومین صلوات zwnj&y الله zwnj&y علیهم zwnj&y اجمعین مورد سوالات زیادی واقع می zwnj&y شدند، که فرمایشات قبلی خود را برای مردم تبیین کنند تا مفهوم آن فهمیده شود.

از مقام رسالت رسول اکرم صلی zwnj&y الله zwnj&y علیه zwnj&y وآله zwnj&y وسلم حدیثی نقل شده است که "ایاکم و خَضْرَاءُ الدَّمَنِ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ". "خَضْرَاءُ الدَّمَنِ" اصطلاحاً به سبزی zwnj&y هایی گفته می zwnj&y شود که از سرگین حیوانات می zwnj&y روید؛ به عنوان مثال چهارپا گندم یا جو خورده است و چند دانه به صورت هضم نشده از دستگاه گوارش او عبور کرده و خارج می zwnj&y شود. این دانه zwnj&y مرطوب با دریافت نور خورشید جوانه می zwnj&y زند. عرب به این جوانه "خَضْرَاءُ الدَّمَنِ" می zwnj&y گوید.

توصیه آن بزرگوار به مردم در مورد نخوردن این zwnj&y گونه سبزی zwnj&y ها سوال zwnj&y برانگیز است، زیرا این خوردن بر خلاف طبع انسان است. حضرت در جواب می zwnj&y فرمایند: منظور زنی است که دارای محاسن ظاهری و مادی باشد، ولی به آلودگی zwnj&y های روحی مبتلا است. در واقع کلاس zwnj&y هایی که این خانم پشت سر گذاشته نادرست و آلوده بوده و طهارت نداشته است. در مواردی دیده می zwnj&y شود که هرچند خانم، پس از ازدواج و ورود به خانه همسر، به ظاهر نماز می zwnj&y خواند، ولی رفتار ناشایستی هم از او بروز می zwnj&y کند. این امر نشانگر همان نکته است که کلاس اول این خانم، آن موقع است که مادر او نطفه zwnj&y ای را دریافت کرده که آن نطفه از غذایی به وجود آمده که طهارت شرعی و حلیت شرعی نداشته است.

این اثرات وضعی و تکوینی است هرچند ما آن zwnj&y را نپسندیم. خوردن غذای فاسد موجب مسمومیت و از دست رفتن تعادل جسمی خواهد شد. این اثر را اثر تکوینی، یا اثر وضعی می zwnj&y نامیم. خدای متعال برای هر غذایی خاصیت zwnj&y هایی قرار داده است که اگر غذا فاسد شود این خواص تغییر می zwnj&y یابد. غذای روح هم همین zwnj&y طور است.

از امام باقر صلوات zwnj&y الله zwnj&y علیه نقل شده است که می zwnj&y فرماید: "مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ"، اگر کسی گوش به کلام گوینده zwnj&y ای بدهد، مثل این است که او را عبادت و پرستش کرده، یعنی این کانال یکی از کانال zwnj&y های ورودی روح است. چشم و دهان و سایر اعضا هم هر کدام یک کانال هستند. اسلام می zwnj&y فرماید که شما حق ندارید که با زن نامحرم دست بدهید. دست یک کانال است. اگر با این دست گناه کردید، فساد و آلودگی به روح منتقل می zwnj&y شود.

اصلاح امور جامعه، پس از ظهور حضرت بقیه الله ارواحناله zwnj&y الفدا

گروهی از انسان zwnj&y ها منکر معنویات می zwnj&y شوند، و می zwnj&y گویند که زندگی انسان تنها مشتمل بر خوردن و خوابیدن و مردن است. در این دوران توده zwnj&y ای zwnj&y ها این نظر را دارند. در زمان حضرت صادق صلوات zwnj&y الله zwnj&y علیه به این افراد زندیق می zwnj&y گفتند. هشام با آن zwnj&y ها بحث می zwnj&y کرد و آن zwnj&y ها را محکوم می zwnj&y کرد. در آینده هم منکرین جهان معنویت و جهان متافیزیک وجود خواهند داشت. تا قبل از ظهور حضرت بقیه الله ارواحناله zwnj&y الفدا کسانی که جهان غیب را باور کرده zwnj&y اند، در اقلیت واقع می zwnj&y شوند و مورد ضربه و هجوم دشمنان خدا هستند. مستضعف واقعی شیعه zwnj&y های واقعی زمان غیبت و آخرالزمان هستند، و مصداق کامل مستضعفین طبق روایت، چهارده معصوم هستند.

ما باید به وظیفه عمل کنیم ولی نباید انتظار داشته باشیم که قبل از ظهور کارها اصلاح شود. ان zwnj&y شاء الله وقتی حضرت تشریف آوردند، اگر خدای متعال تفضل کرد و ما آن زمان را درک کردیم، زمان سالم و طاهر را خواهیم دید. البته در آن زمان هم طهارت صد درصد در زندگی zwnj&y ها و در اجتماع نیست. ظاهر و حکومت اصلاح می zwnj&y شود و طبق روایات آثار آن هم ظاهر خواهد شد. استاد بزرگوار ما امام رضوان zwnj&y الله zwnj&y تعالی zwnj&y علیه یک مرتبه این نکته را فرمود، که در آن زمان هم صد درصد صلاح و رستگاری در جامعه وجود ندارد. اگر باطن همه مثل ظاهرشان خوب می zwnj&y شد، برای حضرت قاتل باقی نمی zwnj&y ماند که ایشان را شهید کند.

ما بایستی سعی کنیم خود را آلوده zwnj&y ی به ضد ارزش zwnj&y ها نکنیم. در مورد زبان، چشم، گوش و اعضای دیگر روایات زیادی داریم. این zwnj&y که عوام می zwnj&y گویند یک گوش در و یک گوش دروازه است، تصویری اشتباه است. شنیدن اثر خود را روی روح می zwnj&y گذارد، سپس انسان فراموش می zwnj&y کند. ضد ارزش، غیبت و تهمت زهر خود

را می‌ریزد. اگر می‌خواهیم که انسان خوبی باشیم، باید خود را حفظ کنیم. اگر پنجاه درصد خود را حفظ کردیم، به اندازه‌ی پنجاه درصد به راه سعادت نزدیک‌تر از دیگران هستیم. اگر پنجاه درصد را شصت درصد کردیم، نزدیک‌تر می‌شویم. کار به جایی می‌رسد که اگر انسان یک بار با کلام حق روبه‌رو شود، فوراً دریافت می‌کند. ممکن است صد نفر کلامی را بشنوند، و تنها یک نفر تحت تأثیر واقع شود. مقام رسالت برای همه موعظه می‌فرمود و ایشان را به توحید دعوت می‌کرد، اما ابوجهل و ابولهب تغییری نکردند. افرادی هم بودند که در همان دعوت اول به توحید و خداشناسی، دعوت را قبول کردند. پذیرش افراد با گذشت زمان و تکرار دعوت، بستگی به آلودگی روح آن‌ها داشت. هر چه آلودگی کم‌تر باشد، قرب و نزدیکی به حق تعالی و سعادت بیش‌تر است.

جناب حربن‌یزید ریاحی از یک خانواده‌ی بسیار شریف بزرگوار محترم در عرب بود. در تواریخ، اثری از شرکت او در جنگ‌های صدر اسلام و جنگ‌های زمان امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه به چشم نمی‌خورد. او کنار بود. البته اگر انسان کنار باشد بهتر از این است که در لشکر معاویه یا در گروه خوارج وارد شود و سرانجام به گمان این‌که $\text{يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا}$ ؛ دومین شخصیت جهان اسلام، امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه را با شمشیرش مضروب کند و به شهادت برساند.

عبدالله حربن‌یزید ریاحی را خواست و او را مامور کرد که راه مکه را پیش بگیرد و هر جا فرزند مقام رسالت را دید، ایشان را دستگیر کند. این کار خلاقی بود که مرتکب شد، اما شعور هم داشت. او انسانی بود که خود را از آلودگی‌ها تا حدودی حفظ کرده بود، لذا با خوارج و با بنی‌امیه یکی نبود. از لحظه‌ای که شفاف تشخیص داد که طرف او کیست، خلاف عقل و شعور انسانی خود عمل نکرد، تا سرانجام رستگار شد.